

می‌رود. نظریه او بر دو پایه مبتنی است. یکی آنکه برای درک پست مدرنیسم باید با التقاط‌گرایی و تلفیق عقاید که موجب تنشهای فرهنگی جهان می‌شود، آشنا بود. ثانیاً حضور رسانه‌های غربی را نباید کم‌اهمیت و نادیده گرفت؛ زیرا این رسانه‌ها در همه جا حضور دارند، تحریک‌مان می‌کنند، فاسد‌مان می‌کنند، ما را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند و به چالش می‌طلبند. بدون فهم ماهیت رسانه‌های غربی نمی‌توان به درک مسلمانان و روحیات آنان توفیق یافت. نباید از یاد برد که حضور در صحنه رسانه‌ها بس و سوسه‌انگیز و، هر چند خرد و حکمت و بصیرتی خاص به انسان می‌دهد، به‌غایت خطرناک است؛ به‌ویژه که مشکل اساسی مسلمانان در همین دنیای جدید پدید آمده است: مشکل زندگی‌کردن مطابق اصول و احکام اسلام در زمانه‌ای که جهان بیش از پیش به سوی سکولاریسم، بدگمانی، بی‌حرمتی، اضمحلال، مادیگری، و عداوت گام برمی‌دارد و برخورد خودپسندانه غرب در قالب رسانه‌ها آن را تشدید می‌کند.

نویسنده ما را با چند پرسش رو به رو می‌سازد. از جمله مهم‌ترین این پرسشها اینکه فرهنگ دینی مانند اسلام، که متکی به قرآن و حدیث و قوانین تعریف‌شده اخلاق است، چگونه می‌تواند در عصری تداوم یابد که نافی گذشته و تنوع‌طلب است؟ او برای بازشکافی این مسئله کتاب خود را در هفت گفتار تدوین و مباحث زیر را در آن مطرح کرده است: پست مدرنیسم و مسائل عصر ما و مدرنیسم اسلامی و قرارگرفتن مسلمانان بر سر دوراهی که به مشکلات و اضطراب انجامیده است؛ سابقه آشنایی مسلمانان با فرهنگ یونان؛ رویارویی برخوردی که از قدیم آغاز شده است و همچنان ادامه دارد و نمونه‌های ملموس آن در استعمار و رویارویی هند و انگلیس و نهضت اسلامی کشمیر دیده می‌شود؛ شناخت اسلام که امری دو وجهی است - شناختی که خود مسلمانان دارند و شناختی که غربیان عرضه می‌کنند؛ ضرورت شناخت تمدن و فرهنگ ملی و بومی یعنی اسلامی برای مقابله با تحریفات غربیان؛ و سرانجام، دیوار اهریمنی رسانه‌ها که مقابله با آن مستلزم تدبیر است تا از منزوی شدن اسلام، که عامل بروز بی‌نظمی و هرج و مرج خواهد بود، پیشگیری شود. نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد که اولاً خارج ساختن خدا از دایره هستی حتی برای دانشمندان نیز ممتنع است؛ ثانیاً در زمانه ما نه سکوت و نه گریز، هیچ‌یک کار سهل و آسانی نیست. ارمغان عصر پست مدرن امکانات بالقوه، احتمالات، و چشم‌انداز نیل به هماهنگی در پرتو تفهم است و، در سالهای آتی، در بسیاری از صحنه‌ها، نبردهای عمده‌ای به وقوع خواهد پیوست، که یکی از آنها جنگ میان نیروهای موافق صراحت، عقلانیت، تعقل، و توازن با نیروهای طرفدار بدخواهی، تعصب، و غرض‌ورزی خواهد بود. دیگر نمی‌توان به راحتی حدود و ثغور سابقاً بانیات و منسجم را همچنان پابرجا نگاه داشت. پس راهی جز شناخت آگاهانه و بسی‌غرض و سازمان‌دادن گفتگو وجود ندارد.

ترجمه این کتاب از انگلیسی به فارسی به قلم

فرهاد فرهمندفر در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.

عبدالمحمد روح‌بخشان

پسته ایران: شناخت تاریخی. اثری تحقیقی از محمدحسن ابریشمی درباره پسته و پیشینه آن در قبل و بعد از اسلام که در ۱۳۷۳ منتشر شد.

پسته یکی از فراورده‌های کشاورزی ایران است که بخش عمده آن به خارج صادر می‌شود و لذا اطلاعات دقیق درباره آن و استعدادهای اقلیمی و منطقه‌ای کشور برای کاشت آن در هرگونه برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مربوط به این محصول ضروری است.

از دیرباز اطلاعات فراوان و سودمند در این زمینه، مخصوصاً در کتابهای کشاورزی و سفرنامه‌های خارجیها، وجود داشته اما مؤلف، که در کار تحقیق در زمینه رویدادهای ایران تخصص علمی و عملی دارد، به دور از پیروی کورکورانه از روشهای غربیان، به شیوه‌ای نو و جامع‌الاطراف، مطالعه‌ای همه‌جانبه، که سی سال به درازا کشیده است، درباره پسته انجام داده است. وی، افزون بر بررسی منابع موجود و تحقیقات میدانی که مستلزم پیمودن دهها هزار کیلومتر در سراسر کشور بوده است، به همه کبارشناسانی که می‌شناخته مراجعه کرده و اثری کم‌نظیر و کاملاً مبتکرانه پدید آورده است.

کتاب شامل دو گفتار عمده است.

گفتار اول در پیشینه پسته، مبدأ و منشأ آن پیش از اسلام و پس از آن، ریشه‌یابی واژه پسته، نام‌گذاری ارقام آن، جغرافیای تاریخی مناطق رویش و پرورش درختان پسته، خواص پسته و چگونگی مصرف آن در قدیم، پیشینه امور زراعت و تجارت پسته (از متون کهن تا اسناد قرن حاضر)، بازرگانی خارجی و میزان تولید پسته و ارزش آن در دوره‌های زمانی متعدد.

در «گفتار دوم: پسته در عصر حاضر» به نکات زیر پرداخته شده است: گیاه‌شناسی پسته، گونه‌های درخت آن، طبیعت و اقلیم مناسب، کشاورزی و باغبانی آن، آماده‌کردن زمین و کاشت و آبیاری و تربیت نهال، آفات پسته، انگلها و قارچها، آفات انباری... که در این بخش به کشت و پرورش پسته در کالیفرنیا هم پرداخته شده و مقایسه‌هایی میان نوع پسته، سطح زیرکشت، و تولید و تجارت جهانی آن در ایران و امریکا صورت گرفته و از سهم پسته در صادرات غیرنفتی ایران نیز سخن رفته است. کتاب، که با موادی دیگر چون تصویر (۱۱۳ عکس همراه با توضیحات)، جدول (۱۳۵ قلم)، نمودار (۲۱ مورد) و کتاب‌نامه و هشت فهرست راهنما تکمیل گردیده، در ۱۳۷۳ در ۶۶۹ صفحه به همت «مرکز نشر دانشگاهی» چاپ و منتشر شده است.

چند کتاب و مقاله درباره پسته از جمله آفات پسته در ایران (فیروز تقی‌زاده و مهندس محمد صفوی، ۱۳۳۹)؛ آفات مهم پسته و بادام و گردو در ایران (وزارت کشاورزی، ۱۳۳۱)؛ استاندارد پسته ایران (مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی)؛ پسته و اهمیت آن در ایران (محمد طباطبایی، سازمان جنگلیاتی، ۱۳۴۴) منابع این تحقیق معرفی شده‌اند.

عبدالمحمد روح‌بخشان

پله‌پله تا ملاقات خدا. گزارش زندگی و سیر معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی (۶۰۴ - ۶۷۲) از عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۰۱ - ۱۳۷۸)، دانشمند و محقق در تاریخ ایران و اسلام و ادب فارسی که در ۱۳۷۰ منتشر شد. نام کتاب مصراع دوم از یکی از ابیات مثنوی (از مقامات تبثیل تا فنا پله‌پله تا ملاقات خدا) و تأکیدی است بر درون‌مایه کتاب یعنی سلوک روحانی مولانا. انگیزه مؤلف تقاضای گروهی از خوانندگان آثار وی درباره جلال‌الدین محمد بوده است که از او خواسته بودند کتابی ساده‌تر و غیرتخصصی‌تر از سرنی و بحر در کوزه، که پیش‌تر در باب مولانا تألیف کرده بود، بنویسد و در آن از ارجاعات و اشارات متعدد، که تنها در خور توجه ارباب فن است، خالی باشد تا لذت مطالعه محفوظ بماند. زرین‌کوب خود در مقدمه تصریح می‌کند که شیوه بیان و عرضه مطالب در پله‌پله تا ملاقات خدا چه بسا در نظر برخی از خوانندگان دیرین آثار وی ناآشنا جلوه کند.

به دلیل رعایت همین ملاحظات، کتاب، در عین حفظ ماهیت تحقیقی، به صورت روایتی داستان‌گونه درآمد است که نویسنده، در آن، سند و مأخذی برای مطالب به دست نداده و این فرصت را برای خواننده غیرحرفه‌ای فراهم کرده است تا در فضای داستان دلکش زندگی مادی و معنوی مولانا باقی بماند و در گلگشتی روحانی و طرب‌انگیز از تماشای صحنه‌هایی فرح‌بخش و بدیع محفوظ گردد. در حقیقت، این کتاب برای خواننده‌ای نوشته شده که به مستندات گزارشهای مؤلف علاقه‌ای ندارد و به آگاهیهای زاید بر مطالب متن کتاب راغب نیست و نه می‌خواهد و نه وقت آن را دارد که به منابع دیگر مراجعه کند؛ تنها خوش دارد شاهد «تصویری منسجم و به هم پیوسته از زندگی و سلوک مولانا» باشد. مع‌الوصف، به تصریح خود زرین‌کوب، در این اثر هنوز از «پاره‌ای لغات نامأنوس و تعبیرات غیرمعمول» که ممکن است موجب ناخرسندی بعضی خوانندگان شود چیزهایی پیدا می‌شود. نویسنده خوش ندارد از آنچه وی آن را «سابقه سنتی در تعبیر و بیان اندیشه» می‌نامد فاصله بگیرد و با انتخاب الفاظ نوساز رابطه بین گذشته و حال را، که ضامن استمرار فرهنگ برای خواننده است، قطع کند.

در پله‌پله تا ملاقات خدا، زندگی شصت و هشت ساله و عالم روحانی و ارتقای معنوی مولانا به شیوه‌ای دلنشین، منسجم، و قابل اعتماد و به نثری پخته به سلک عبارت کشیده شده است. به نظر می‌رسد که زرین‌کوب کوشیده است تا در این نوشته بیشتر از روش توصیفی و روایی پیروی کند تا روش تحلیلی. وی ترجیح داده است «نویسنده» باشد تا پژوهشگر منکی به منابع و اسناد به معنای مرسوم آن. به همین دلیل نبر، سیمای مولانا را آن‌گونه به تصویر کشیده که به نظر یاران و مریدان دل‌باخته وی می‌رسیده است. لاجرم مبنای روایات خود را گفته‌ها و نوشته‌های یاران قدیم مولانا، فریدون سپهسالار و احمد افلاکی، قرار داده است و البته مقداری هم از گفته‌های خود مولانا، از معارف بهاولد، پدر مولانا، از ولدنامه پسرش سلطان ولد، و نیز از محقق ترمذی و مقالات شمس در حد

نداشته است؛ دیگر آنکه نویسنده منابع ایرانی و خارجی را موشکافانه نقد و اسناد و مدارک و روزنامه‌ها و مجلات و تحقیقات دیگر محققان را به دقت بررسی کرده است.

این کتاب را منصوره اتحادیه و منصوره جعفری فشارکی به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند و این ترجمه به همت نشر تاریخ ایران (تهران، ۱۳۶۴) منتشر شده است.

مأخذ: سفیری، فلوریدا، پلیس جنوب ایران، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴، صص ۱۲۴، ۱۹۵، ۲۱۴، ۲۴۸، ۲۵۶.

سعاد پیرا

I. Sykes

پلی میان شعر هجانی و عروضی فارسی. ترجمه آهنگین دو جزو قرآن مجید از مترجمی گمنام که به تصحیح احمدعلی رجائی (۱۲۹۵ - ۱۳۵۷) منتشر شده است و عنوان آن را مصحح اختیار کرده است. دقیقاً دانسته نیست که این ترجمه در چه زمانی صورت گرفته است. مصحح با توجه به لغات بسیار کهن متن و طرز جمله‌بندی و علائم نسخه‌شناسی چون خط و کاغذ و شیوه نگارش در مقدمه خود بر آن حدس زده است که این متن متعلق است به اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم. اما آذرتاش آذرنوش بر آن است که نوع کلمات عربی و شیوه کاربرد آنها از اُس بیشتر مترجم با واژه‌های عاریتی عربی حکایت دارد. چنان که پنداری در آغاز یا حتی اواخر قرن پنجم هجری می‌زیسته است. این متن ترجمه‌ای است از حدود دو جزء قرآن، از سوره ۱۰ (یونس) تا سوره ۱۴ (ابراهیم)، نه لفظ به لفظ؛ و نه کاملاً تفسیری.

ترجمه همه جا یکدست نیست. گاه دقیق است و گاه نقل به مضمون بی‌توجه به مفردات و گاه آزاد و همراه با اظهار نظر درباره‌ی آیه. وجه امتیاز این ترجمه کوششی است برای موزون‌ساختن عبارات به کاررفته. توفیق مترجم است در این راه تا حدی که هر خواننده‌ای نوعی موسیقی در بیشتر پاره‌های آن احساس می‌کند و متن را به صورت حلقه اتصال بین شعر هجانی و شعر عروضی درمی‌آورد. مترجم در انتخاب سجعها و موزون‌ساختن عبارات تا حد زیادی از کیفیت آهنگین آیات قرآنی متأثر بوده است. می‌توان گفت که مترجم این خصیصه را حتی‌الامکان در پاره پاره عبارات قرآنی حفظ کرده است. تقریباً در ترجمه هر آیه سجعی خاص و به ندرت روایتی خاص اختیار شده و از این راه نوعی در سجع و وزن پدید آمده است. این ترجمه آهنگین، به استنباط رجائی، ظاهراً محصول نخستین تلاشها برای گذار از وزن هجانی است به وزن عروضی با فنونی چون تکرار و پس و پیش کردن کلمات که قطعه ذیل نمونه آن است: گفتا کاشکی کاین چنین بودی / پیری نومید از ره فرزند / این مهتر من شیخ گشته / عجب دارد از پیر فرزند / گفتند یا زن همی عجب داری / از کار خدای از چو شما فرزند. شیوه کار مترجم چنین است که نخست اصل چند

اقتصادی آلمان و مناسباتی که به‌تازگی با کشورهای متعدد به‌ویژه با ایران پیدا کرده بود، و اقدامات روسیه برای بسط هر چه بیشتر قدرت خود در مناطق شمالی ایران و وسعت بخشیدن آن به سمت مرکز، همچنین محروم‌بودن حکومت ایران از نیروی نظامی کارآمد موجب شد که بریتانیا به فکر ایجاد نیروی محلی مقتدری برای کنترل اوضاع به نفع خود بیفتد. همکاری انگلیس با روسیه به این سبب بود که از طرفی جلوی نفوذ بیشتر این دولت را به سمت جنوب بگیرد و از طرف دیگر رقابت اقتصادی آلمان را خنثا کند. در فصل دوم، از اختلاف نظر روس و انگلیس درباره‌ی اعزام نیرو و نام و عنوان تشکیلات سخن رفته است.

در فصل سوم، به چگونگی استخدام نیرو برای این تشکیلات و نظر مأموران دولت بریتانیا درباره‌ی ساکنان این مناطق و انگیزه پیوستن آنها به این تشکیلات نظامی پرداخته شده است. سایکس بر آن بود که انگیزه عمده بیشتر داوطلبان امید به دریافت حقوق منظم ماهانه و درآمدهای جنبی به صورت نقدی و جنسی است. از این رو، وی تصمیم می‌گیرد که تشکیلات و حقوق و مزایا را رده‌بندی و درجه‌بندی کند. و افراد را از ایلات برگزیند. از جمله وقایع مهم پیوستن بعضی از ایلات و عشایر این مناطق به SPR است که اهمیت ویژه‌ای دارد. ظاهراً مسلح‌بودن ایلات در این دوران در این امر بی‌تأثیر نبوده است.

از دیگر مسائل بحث‌شده در کتاب به رسمیت‌ساختن «پلیس جنوب ایران» از جانب دولت مرکزی است. کسبینه سپهدار پیش‌نویس اولیه این تشکیلات را امضا کرد. و پذیرفت که، با نظر گرفتن اوضاع و اقتضای «فورس ماژور»، این نیروی نظامی ۲۲۰۰۰ نفره‌ای به تدریج تشکیل شود. رجالی همچون فرمانفرما و قوام‌السلطنه و تنی چند از نمایندگان نیز با او موافق بودند. در عوض، کسانی از جناحهای مختلف مجلس با این تشکیلات مخالفت داشتند. نگرانی از افکار عمومی و ناآرامی‌هایی که ممکن بود بر ضد آن ایجادگردد، ساعت گشت‌کده دولت در به رسمیت‌ساختن قطعی این تشکیلات در تردید به سر برد.

یکی از مزایای این کتاب آن است که از اوضاع و احوال ایالات جنوبی ایران در این دوره اطلاعاتی هر چند مجمل به دست می‌دهد و احوال اجتماعی و فقر اقتصادی مردم و ناآرامی و ناامنی منطقه را وصف می‌کند. این اغتشاشات و ناامنی‌ها که حکومت‌های وقت و ایلات و عشایر مسبب آنها بودند، مستمسکی برای دولت انگلیس می‌شد که برای تأمین منافع خود تشکیلات ویژه‌ای پدید آورد. مردم نیز، زیر فشار فقر و برای امرار معاش، به استخدام این تشکیلات درمی‌آمدند. به هر حال، با انعقاد قرارداد ۱۹۱۹، «پلیس جنوب ایران» احساس اطمینان و استقرار بیشتری می‌کند؛ اما، با فسخ آن، پایان کار SPR رقم زده می‌شود.

دو نکته درباره‌ی این کتاب در خور ذکر است؛ یکی اینکه موضوع آن بکر است و تحقیق در آن سابقه

ضرورت بهره‌گرفته است. با وجود این، از نقل آنچه توجیه روان‌شناختی نداشته و از مقوله کرامات باورنکردنی بوده خودداری کرده است.

زرین‌کوب، هر چند بنا بر آن دارد که در این کتاب راوی باشد و از داوریهای مستقیم و نقادی صریح احتراز و حالت داستانی و جذاب گزارش خود را در سراسر کتاب حفظ کند، عبارات خود را به گونه‌ای می‌پرورد که، در آن واحد، هم مضمون هم توضیح غیرمستقیم گزارش را در بر داشته باشد و هم، در بسیاری جاها، بیانگر نوعی داوری و تفسیر مجمل و غیرمستقیم. مؤلف بر آن بوده است که محصول کار تفسیقی بسا شد از دانش‌پژوهی عالمانه و هنر داستان‌نویسی.

پله‌پله تا ملاقات خدا، به شیوه مرسوم، به فصول و ابوابی عنوان‌دار تقسیم نشده فقط خروج از مطلبی و ورود به مطلبی دیگر با شماره، از ۱ تا ۱۰۰، مشخص شده است. در حقیقت، مؤلف زندگی و سیر معنوی مولانا را به صد بخش تقسیم کرده و شاید، در این کار، به عنوان کتاب - پله‌پله... - و مراحل زندگی و درجات ارتقای روحی جلال‌الدین محمد نظر داشته است. کتاب شامل مقدمه، متن، و یادداشتها و کتاب‌نامه است. در چاپ دوم، پیوستی شامل لغات و تعبیرات و فهرستی از عبارات عربی با ترجمه آنها، به اهتمام یکی از دانشجویان سابق زرین‌کوب، اضافه شده است. نمایه نیز بر روی آن تنظیم و در پایان درج شده است.

مجدالدین کیوانی

پلیس جنوب ایران [The South Persian Rifles] ترجمه رساله دکتری (رشته تاریخ دانشگاه ادینبرو، انگلستان) که ترجمه دقیق عنوان آن فنگ‌جیان جنوب ایران (۱۹۱۶ - ۱۹۲۱) با اختصاری SPR است.

کتاب حاوی مطالبی درباره‌ی چگونگی، علل و عوامل پیدایش SPR در جنوب ایران است. سرتیب سایکس^۱، به همراه دسته‌ای از افسران هندی و انگلیسی، در ۱۹۱۶ (۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۵) پا به بندرعباس گذاشت. هدف او ایجاد نیرویی از افراد محلی برای برقراری نظم و قانون در خدمت منافع دو دولت روسیه و انگلستان بود.

فصل اول به شرح عوامل و انگیزه‌های تشکیل پلیس جنوب اختصاص دارد.

با قدرتمندشدن آلمان و کشف منابع نفتی در منطقه حساس خلیج فارس، و رقابت کشورهای صنعتی اروپا برای تسلط بر این منابع، کشورهای روسیه و بریتانیا منافع خود را در خطر احساس کردند. دولت بریتانیا برای مقابله با بسط و نفوذ اقتصادی آلمانیها، با استفاده از نیروهای بومی که هم به منطقه آشنایی داشتند و هم حساسیت کمتری در ساکنان ایجاد می‌کرد، به تشکیل پلیس در جنوب ایران مبادرت کرد.

نویسنده عوامل مؤثر در ایجاد این تشکیلات را نگرانی کاهش نفوذ آن دولت در بین‌النهرین می‌داند. همچنین ناآرامی‌هایی که در ایران و کشورهای همجوارش در منطقه پدید آمده بود از جمله این عوامل شمرده شده است. علاوه بر آن، افزایش قدرت